

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجنیا - ۱۷ نومبر ۲۰۱۳

نامیدی گناه است!!!

ای غمگسار دلها!

مگر میتوانم به آستان مقدس تو جبین گناه آلود خویش را بگذارم، استدعای عفو نمایم و طلب آمرزش؟؟؟ مگر قادر خواهم بود تا منحنیهای دستان نیازمندم را در پیشگاه مطهر تو لبریز از اشک و آتشتین از شعله های آه و ندا سازم؟؟؟

ای بزرگوار بی مثال که از بندگان گهنگارت به ستوه نمی آئی! خشم تو مگر هیبتتاک نیست؟ پس چه زود فراموش کرده ایم!!!

ای دادار جهان! ای پادشاه کون و مکان!

مگر این تو نیستی که بی شمار قالب پیکرها را طرح میریزی و امر ورود به جهانی میدهی که پر از جزائر حیل و فساد و وحشت است؟ مگر این تو نیستی که گاه ما را به قعر ناملایمات می اندازی و گاهی به اوج افتخارات میکشانی؟

ای هستی مطلق!

از هیچ موجودی نمیتوانم نشان راه امید و پیروزی را بدست آورم. تنها به درگاه بی نیاز تو روی می آورم و همه اسرارم را تو دانی. به آستان پاک تو اشکهای آلوده به گناهی را میریزم، که ایامی اراضی قلبم را آبیاری کرده و دانه های خطا کاری را بارور نموده بودند. غیر از تو چه کسی میتواند یاریم رساند؟

ای خدا!

نمیگویم مرا به کاخ مرمرین عیش و نوش راهی بده؛ چشمداشت آراستگی به زر و زیور
هستی را ندارم؛ حجره غم اندوه دلم را محراب آسودگی و خیال و رؤیا نمیخواهم.
ای ذات جاودان، ای نام کامل و ای وجود خالی از گمان!
قلب نومیدم را به کاملترین امید برسان، زیرا که «نامیدی گناهست». مرا در قید
آرزویی بنما که خواست تو باشد. ظلمت را از حریم پریشان دلم دور کن. یاریم رسان تا
با همه کوچکی و ناتوانی یاری رسان دلهای شکسته و رنجور گردم و از سراب خیالها
به قتل حقایق رسم. مثل ابرها سخاوت بیارم و چون گندمزاران، رنگ طلائی خورشید را
روی زمین خسته دلان، انعکاسگر شوم.

(ناهید "غزل" غنی زاده - سه شنبه ۱۵ حمل ۱۳۵۷)